



انتخابات افغانستان؛ سونامی جنگ قدرت

✓ شبر حسین فرهنگ

شکل گیری بازی های سیاسی در جامعه، بنابراین انتخابات بستری است برای تقابل عقلانیت مردم در گزینش نماینده هایشان در شرایطی که هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ سیاسی فصدی زیادی مردم ساکن در این کشور حتی دوام حیات شان با خطر جدی مواجه است. برگزاری انتخابات با معیارهای قبول شده و استندرد بین المللی در ساختار دولت بیشتر از زاویه سیاسی و بروکراتیک قابل بررسی است. ولی به عنوان یک عامل در جهت حرکت مردم به سوی یک انتخابات دیگر بیشتر ارزش فرهنگ شناسی دارد. نوع حرکت مردم، فرهنگ سیاسی آن را نشان می دهد که با پدیده های سیاسی چگونه برخورد می کند. در یک نگاه کلی و با توجه با **حول و هوش** مجالس و زمزمه های مردم پیش از پیش کاندیدای این انتخابات را می توان به سه بخش اساسی تقسیم کرد.

۱- کاندیدای گمنام، ۲- اخراج شدگان دولت، ۳- نماینده های احزاب سیاسی و آنهایی که از بی شغلی و ضعف اقتصادی رنج می برد.

کاندیدان گمنام

کاندیدان گمنام کسانی هستند که در گذشته، چندان در صحنه های سیاسی حضور نداشته اند و متشکل از اقشار مختلف جامعه می باشد. کاندیداهای گمنام، به یک موزیم تاریخی می ماند که در آن انواع اشیای متنوع یافت می شوند، که هر کدام شان ما را در عمق یک تاریخ فرد می برد. به گونه ای که هر یک از این تاریخها، گویای یک واقعیت است. واقعیتی که مفهوم سیاست را برای ما از زبان مردم تعریف می کند. کاندیداهای گمنام، به سبب شکر می ماند که فقط غوغا به پا می کند در میدان انتخابات. چنانچه که در انتخابات گذشته دیدیم.

در انتخابات گذشته اکثر از کاندیدها، وقتی برنامه هایشان را اعلان می کرد به یک رجز خوانی می ماند که پهلوانان اساطیری و حماسی در میدان جنگ می خواند. خواندن نثر مسجع، سخن گفتن از کلینکهای شخصی، دادن طرحهایی که سرعت شان دیوار صوتی را می شکند. توزیع نمرات زمین در شهرهای مختلف افغانستان و ساختن مدینه فاضله که تحقق آن متنوع الوجود است از ویژگی های برنامه های کاندیداهای انتخابات گذشته بود. در سه انتخابات گذشته این رابطه زنجیره ای بین شعار کاندیدها به وضوح دیده می شد. در بسیاری از تصاویر می دیدیم که شعرهای زیبایی از شعرای ما نوشته شده بود که با خواندن آن یاد و خاطره ی شاعران ما نه در تاریخ ادبیات و برنامه های ادبی و بزم شعر، بلکه در تاریخ سیاسی و رقابت قدرت زنده می شد، کاپی و دیزاین تصاویر و اشعار عاشقانه و عارفانه آنها آدم را به یاد پوسترهای عاشقانه هندی می انداخت که از دنیای خشک سیاست ما را می برد در صحنه های عاشقانه و تخیلی فلمهای عشقی هالیوودی و بالیوودی، یعنی بیشتر صحنه ادبی و هنری بود تا عقلانی و سیاسی، که این خود بحران عقلانیت است در مکان و زمانی که باید تعقل جای جهالت و تعصب را بگیرد. هیچ چیزی را

نمی فهمید و اما در گذشته کلان هایشان و کیل بوده که این خود بحران خدشه دار کردند، ذهن عوام مردم را به وجود می آورد.

اخراج شدگان دولت

بخش دوم کاندیدها افراد سرشناس و آگاه به مسایل فعلی دارد و کشور هستند. و این یک نام دیگر نیز دارد و آن مخالفان سیاسی دولت می باشد که اکثر از این آدمها در اثر یک سانحه فرو افتاده است. اما کاندید شدن در انتخابات شورای ولایتی، ولسی جرگه می تواند یگانه راه عقده گشایی آنها باشد. اخراج شدگان دولت در واقع جزء دولت اند، چرا که مخالفت و نزاع شان نه برسرتوری های سیاسی شان، بلکه بر



سر میراثی هستند که خودها را وارث بلا منازعه ای آن فکر می کنند. روی این جهت است که بخش دوم کاندیدها بازیگران قدرت سیاسی را در جبهه مخالف دولت تشکیل می دهد، ولی از نگاه سیاسی، اکثرا فاقد یک طرح مشخص و دارای یک ضمانت اجرای چنانچه که در انتخابات گذشته شاهد بودیم. البته این به معنای دفاع از دولت نیست، بلکه بیان واقعیت است. در بخش دوم کاندیدها یک تعداد آدمهای تحصیل کرده و تجارت پیشه نیز عرض و جود خواهند نمود که وجود همچون تحصیل کرده ها ظرفیت علمی کاندیدها را یک مقدار بالا خواهند برد و این خود می تواند در تیوریزه کردن طرحهای سیاسی رقیبکنان صحنه انتخابات کمک کنند که در جای خود یک پارادایم است. در جهت گزینش مردم در پروسه انتخابات.

نمایندگان های سیاسی احزاب

نمایندگان های احزاب سیاسی و آنهایی که از بی شغلی و ضعف اقتصادی رنج می برد، در این طیف از کاندیدها کسانی خواهند بود که به دلیل نداشتن اسناد تحصیلی و نداشتن شغل و اقتصاد متناسب با مد روز ناگزیر به احزاب گوناگون

پناه آورده و کاندید شدن در انتخابات برای همچون افراد روانی و طرد شده خود می تواند مسکن درد باشد قوی تر از پاراستامول که تا باشد که رنج چندین ساله ای دوری از قدرت و بلی صاحب مردم با این دیاریم فضایی سیاسی اندکی درمان شود. بدون شک استراتژی و خط مشی این نوع کاندیدان ناشی از دست پاچه گی و خدعه و فریب چیزی دیگر نخواهد بود. توزیع نمره زمین از بند خاکشاهی ولسوالی شهرستان به مزار شریف یک تأمل سیاسی و علمی کار دارد. اینگونه کمپینها پا در ممالکی که از لحاظ سیاسی به سر حد کمال رسیده اند، مجازات دارد. اما در کشوری ما نند افغانستان اینگونه کاندیدان پاداش می گزند. به همین ترتیب

صحنه انتخابات این دور نیز جز فضایی اختناق و کدورت بین کاندیدان طیف های مختلف چیزی دیگر نخواهد بود. بایک چنین وضعیتی مردم در یک موقعیتی دشواری قرار خواهند گرفت. و داستان مردم به داستان هفتخوان رستم می ماند که برای رسیدن به هدف باید بزرگترین مشکلات را پشت سر بگذارند، که فائق آمدن به هریک از این پرابلمها، ظرفیت و یژه ایی خودش را می خواهد که وجود همچون ظرفیتها، فعلاً غیر متحمل به نظمی رسد. که این نقض جز ذات و تقدیر مردم نیست، بلکه ریشه در تاریخ سیاسی مردم دارد. مردمی که از تیوری های سیاسی افسانه ای بیش نمی داند، و از اعمال سیاستمداران، جز کشتارهای جمعی، کتمان انسانیت، سوزاندن خانه ها و اجساد مرده گان، تجاوز به حریم انسانهای بی دست و پای این سرزمین و محروم کردن نیم از جامعه از درس و تعلیم راه اندازی جنگ های مذهبی و ارزش دادن به انسان متناسب به نوع مذهب و عقیده ی دینی آن چیزی دیگر در تاریخ افغانستان ثبت ندارند. بدون شک به روند انتخابات و گزینش افراد در ولسی جرگه، شورای ولایتی و ریاست جمهوری از همین زاویه نگریسته می شود. و در یک جمع بندی کلی و با در نظر داشت تجربه نمودن یک دور انتخابات ولسی جرگه، شورای ولایتی و ریاست جمهوری می تواند تجارب خوبی سیاسی برای مردم افغانستان در عرصه گزینش افراد شود. و این دو انتخابات دماسنج دیگری تعقل سیاسی مردم است. در شرایطی که هم حضور نیروهای بین المللی در حمایت از جنگ علیه تروریسم، هم افزایش کشتار غیر نظامیان به واسطه هلیکوپتر های توپ دار آنها و هم افزایش حملات انتحاری و جنگ های چریکی به واسطه گروه القاعده و تروریسم بین المللی علیه دولت، نا کارآمدی دولت در برابر نیازمندی های مردم افغانستان و تجربه نمودن وکلای شورای ولایتی و ولسی جرگه به عنوان جیره خواران نام هزاران انسان که امروز در گوشه، گوشه افغانستان زنده بودن شان به خطر مواجه است. با این وضعیت مردم افغانستان بار دیگر در سونامی جنگ بر سر تقسیم قدرت سیاسی در چارچوگاتی انتخابات با کمال افسرده گی و سر خوردگی شرکت خواهند نمود. و با چنین وضعیت داستان همان پیر مرد و پیرزن که نه به خاطر به قدرت رسیدن راههای صعب العبور را طی نمود تا دیگر پسر جوانش را در پیش چشمش با خون آغشته نیند و یا دختر جوانش در انزار مردم تجاوز نشود. خانه اش در دل شب آماج گلوله قرار نگیرد، اما این بار با عدم تحقق این آرمان بار دیگر با چشمهای اشک آلود پای صندوقهای رأی خواهند رفت.

افغانستان کشوری است که تازه با پاره های تن یک دولت مدرن آشنا می شوند. که این پاره ها، یک سرگذشت تاریخی دارند و یک مصداق فعلی. سرگذشت تاریخی شان آن فرایند کلی است که در طول تاریخ سپری کرده اند و در جوامع مدرن به اوج کمال رسیده اند. ولی مصداق فعلی شان، بسته به آن روح حاکم بر جامعه افغانی است که با تأثیر پذیری از عقلانیت جامعه افغانستان متناسب با فرهنگ سیاسی این کشور تبارز می کند. سرگذشت تاریخی مفاهیم مدرن در افغانستان وارداتی است. ولی مصداق عینی آن معرف شخصیت فکری جامعه افغانستان است که برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، شوراهای ولایتی، ولسی جرگه و در نتیجه انتخاب ریاست جمهوری، تشکیل یک پارلمان مرهم گذار بر زخمهای ناسور این سرزمین می باشد. این انتخابات دومین دور از تجارب نهادینه شدن دموکراسی و به میان آمدن عدالت اجتماعی و سهم گیری مشروع مردم افغانستان در قدرت سیاسی است. و مردم افغانستان با تجربه کردن یک دور انتخابات چه در انتخابات ریاست جمهوری چه در انتخابات ولسی جرگه و شورای ولایتی حقیقت انکار ناپذیر و سرنوشت ساز را تجربه کرده است. و بدون شک انتخابات ریاست جمهوری و ولسی جرگه و شورای ولایتی در یک رابطه زنجیری باهم اند. هم در تکمیل ساختار سیاسی دولت به هم مرتبط است و هم در شکل گیری بازی های سیاسی در جامعه. بنابراین انتخابات بستری است برای تقابل عقلانیت جامعه افغانستان متناسب با فرهنگ سیاسی این کشور تبارز می کند. سرگذشت تاریخی مفاهیم مدرن در افغانستان وارداتی است. ولی مصداق عینی آن معرف شخصیت فکری جامعه افغانستان است که برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، شوراهای ولایتی، ولسی جرگه و در نتیجه انتخاب ریاست جمهوری، تشکیل یک پارلمان مرهم گذار بر زخمهای ناسور این سرزمین می باشد. این انتخابات دومین دور از تجارب نهادینه شدن دموکراسی و به میان آمدن عدالت اجتماعی و سهم گیری مشروع مردم افغانستان در قدرت سیاسی است. و مردم افغانستان با تجربه کردن یک دور انتخابات چه در انتخابات ریاست جمهوری چه در انتخابات ولسی جرگه و شورای ولایتی در یک رابطه زنجیری باهم اند. هم در تکمیل ساختار سیاسی دولت به هم مرتبط است و هم در

آن با شکوه و این با شکوه تر

✓ سلیمان علی بلیغ

عبرتها و آزمونها

بنابراین هشت ثور به تعقیب خود آفات و دستاوردهای داشته است. جا دارد که ملت، از آفات و اشتباهات آن درس بگیرند و به دستاوردهای آن بنازند و در راه حفظ و حراست دستاوردها تلاش کنند. و با ادامه دادن راه شهدا به خون غنوده این سرزمین ضامن استقلال، تمامیت ارضی و باورهای دینی خود باشند که بدون این مهم مسیر نخواهد شد جز با حفظ وحدت و انسجام ملی. زیرا که به تجربه ثابت شده تا زمانی که ملت افغانستان فارغ از قوم، ملیت، سمت، گروه و در چهار چوبه منافع ملی حرکت کرده اند انتخابات بس بزرگی خلق کرده اند و آفریده اند که پیروزیهای دوره استعمار و تجاوز شوروی سابق نمونه بارز اینهاست. اما به مجرد بروز اختلاف و شکاف افراد جامعه به بهانه قوم، سمت، گروه، ملیت و... حرکت مردم دچار آسیبهای جبران ناپذیری گردیده است. پس اگر امروز خود را مدافعان آرمان و اهداف شهدای خود می دانیم باید سعی نماییم وحدت کلی و فراگیر را فراراه ما قرار داده و در راستای نجات کشور از بحرانهای کنونی تلاش و کشتی طوفان زده تلاش کنیم تا کشور را به ساحل نجات برسانیم.

(یادمان سالگرد هشت ثور و استقبال از انتخابات)

بر گزاری دو دوره لویه جرگه: اضطراری و قانون اساسی، استقرار دو دور حکومت عبوری، تدوین و توشیح قانون اساسی، انتخابات با شکوه ریاست جمهوری، اولین دور انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی، جلب نسبی کمکها و سرمایه گذاریهای خارجی و استقرار امنیت نسبی در کشور گامهای بعدی در جهت رسیدن به نظام سیاسی مورد قبول و منتخب مردمی بود که تا کنون نسبتاً خوب پیشرفته است. و اینک با عبور از این مراحل کشور ما در استانه سومین تجربه انتخابات آزاد و مردمی یعنی انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی قرار دارد.

بایداه و نبایدهای ما و انتخابات

بجاست ملت ما اعم از زنان و مردان با حضور گسترده خود بدور از تعصبات قومی، لسانی، سمتی و گروهی و بادرک عمیق از شرایط حساس کنونی کشور، شایسته سالاری را در نظر بگیرند و افراد لایق، کاردان، صادق و متعهد را انتخاب کنند و برگ دیگری را در تاریخ کشور خود ثبت نمایند.

و اجتماعی است و نگهداری و حفظ آن خاطره ها و تجدید آن حماسه ها قوام و دوام جوامع به حساب می آید، تا بدانجا که به فراموشی سپردن یاد این ایام انداختن پرده سیاهی است بر حیات تاریخی جوامع. در تاریخ خونبار و شکوهمند ملت آزاده افغانستان، هشت ثور در زمره این مبارک ایامند که در این روز نهال انقلاب اسلامی و مجاهدت مجاهد مردان این سرزمین به ثمر نشست و لاله های روئیده از خون شهیدان افغانستان زمین را گلباران نمود و فصل نوینی در حیات سیاسی و تاریخی کشور بعد از هشت ثور شد. روزی که هر چند به تعقیب آن آفاتی از قبیل جنگهای تنظیمی، گروهی و سمتی و در نتیجه تسلط گروهک متحجر طالبانی فضای کشور را تیره و تار نمود، اما طعم هشت ثور پس از یازدهم سپتامبر و رویکرد جامعه جهانی به افغانستان افق جدیدی را در آسمان تیره کشور گشود و اجلاس بن موجب طرح اولیه ورود کشور به جامعه جهانی گردید که از جمله نتایج آن به موارد زیر می توانیم اشاره کنیم.

دستاوردهای نظام جدید سیاسی افغانستان



تاریخ جوامع بشری در فراز و نشیب روزهای را شاهد بوده که همچون چراغی بر فراز تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی ملتها می درخشند و در شعاع آن تجربیات تلخ و شیرین فراز و نشیبهای تاریخی را به وضوح می بینیم. روزهای تاریخی که حیات و جاویدانگی ملتها را تضمین نموده و ملتها را از ظلمت جهل و استبداد به سر چشمه نور و درستکاری و رسانده اند. نقش عظیم ایام تاریخی ترسیم کننده هویت اصیل دینی